

# مصاحبه با شیخ عزالدین حسینی.

- من مجلس خبرگان را مجلس شایسته‌ای نمی‌دانم.
- ترکیب اعضاء مجلس خبرگان ترکیب شایسته‌ای نیست و مسلم که این افراد نمیتوانند خواستهای زحمتکشان را در قانون اساسی منعکس نمایند.
- در گیریهائی را که در کردستان و سایر مناطق ایران روی میدهد عوامل ارتجاعی و ضد انقلابی که در محل وقوع درگیری حضور داشته و یا در درون دولت و کمیته‌ها نفوذ دارند، بوجود می‌آورند.
- آقای چمران را از نزدیک نمی‌شناسم ولی فرمایشات و صحبت‌های او از سوء نیتی که دارد حکایت میکند.

\*\*\*\*\*

دربزرگ مصاحبه‌ای را که ما در تاریخ ۵۸/۵/۱۶ و قبل از حوادث پساوہ با شیخ عزالدین حسینی به عمل آورده‌ام، از نظر خوانندگان می‌گذرد. در این مصاحبه سعی شده است که نظرات اسما در باره مسائل مطروحه، چه در ارتباط با کل ایران و چه در ارتباط با طایفه، منعکس گردد.

۱- سؤال : آقای حسینی، نظر شما راجع به مجلس خبرگان، که در روز جمعه ۱۱ مرداد ماه انتخابات آن برگزار گردید، چیست؟ آیا فکر نمی‌کنید این حق مردم بوده که بجای مجلس خبرگان مجلس موسسان تشکیل میشد؟ همچنین فکر نمی‌کنید اگر انتخابات برای مجلس موسسان انجام می‌پذیرفت با احتمال بیشتری نمایندگان واقعی مردم و اقشار و طبقات مختلف انتخاب میشدند؟

جواب : من نسبت به پیش‌نویس قانون اساسی بارها نظر خودم را اعلام داشته‌ام و گفته‌ام که این آنچنان قانون ایده‌آلی نیست که بتواند به خواستهای خلقهای ایران جامه عمل ببوشاند. و مسلم است که مجلس خبرگان نیز نمیتواند در قانون اساسی تاثیر چندانی بگذارد. لذا من مجلس خبرگان را مجلس شایسته‌ای نمی‌دانم، چه من معتقد بوده‌ام و هستم که بایست مجلس موسسان و متشکل از تمام گروهها و احزاب سیاسی و روحانیون مترقی تاسیس میشد تا اینکه آنچنان

فانونی به تصویب میرسد که خواست های تمام خلقهای ایران را در بر داشته و نسبت به هیچ اقلیت مذهبی و ملی اجحاف و تبعیضی وجود نداشته باشد و آزادی مطبوعات و فعالیت‌های سیاسی و بیان بطور مشروح و صریح در نظر گرفته شود. یعنی بدون اینکه با گروه مکرهائی آثار مفید سازند.

۲- سؤال : نظر شما راجع به ترکیب اعضاء منتخبه برای مجلس خبرگان چیست؟ آیا بنظر شما این اعضاء قادر خواهند بود خواستهای واقعی زحمتکشها و خلقهای تحت‌تأمین میهن سازان را در قانون اساسی منعکس سازند؟

جواب : مسلم که این ترکیب اعضاء مجلس خبرگان ترکیب شایسته‌ای نیست و مسلم که این افراد نمیتوانند خواستهای زحمتکشان را در قانون اساسی منعکس نمایند.

۳- سؤال : بنظر ما اکثریت قریب به اتفاق مردم استان کردستان نظری بجز نظرات دو فرد منتخب از این استان را دارا هستند. بنظر شما چه علت ایندو فرد که نظرات اکثریت مردم

استان کردستان را ندارند توانستند از آن استان انتخاب شوند؟

جواب : بدو علت "اولاً"، مسلم که مردم استان کردستان بسبب درگیری بهائی که در میوان بیش آمده بود، بخصوص درگیریهای ناشی از راه پیمائی بسوی میوان، فرصت آنرا نداشتند که برای مجلس خبرگان تبلیغات دامنه داری بنمایند. ثانیاً، چون مردم استان کردستان اعتقادی به مجلس خبرگان نداشته و شرکت در انتخابات و فرستادن نماینده را صرفاً سمبطور افشاکری میدانند، برای انتخابات مجلس خبرگان اهمیت زیادی نائل ننند.

۴- سؤال : آیا اصولاً خود شما شرکت در انتخابات مجلس خبرگان را عملی اصولی و جایز میدانستید؟

جواب : من شخصاً "شرکت در آن انتخابات را عمل صحیحی نمی‌دانستم ولی چون مردم میخواهند برای افشاگری در آن شرکت نمایند من هم نخواسم اعلام مخالفت نمایم.

۵- سؤال : نظر شما راجع به انتخابات در استان آذربایجان غربی چیست؟ آیا از ترکیب اعضاء انتخاب شده در این استان راضی هستید؟

جواب : من آقای قاسملو را برای این کار مناسب میدانم.

۶- سؤال : نظرتان راجع به وفایمی که باعث آواره‌گی مردم میوان و سرانجام راه پیمائی هزاران تن از سنج به میوان گردید چیست؟

جواب : مسلم است که درگیریهای که در کردستان و سایر مناطق ایران روی میدهد را عوامل ارتجاعی و ضد انقلابی، که یا در محل وقوع درگیری حضور داشته و یا در درون دولت و کمیته‌ها نفوذ دارند، بوجود می‌آورند، و بعلت این درگیریهاست که مردم عکس‌العمل نشان میدهند. من معتقدم که حادثه میوان از این نوع حوادث بود. من مردم میوان و راه پیمائی را تأیید نمودم و از مردم در مقابل زورگوییهای که از طرف عوامل شناخته شده به آنها میشد پشتیبانی کردم.

۷- سؤال : نظر شما راجع به راه حل بدیرفته شده مریوان و کنترل شهر توسط ارتش چیست؟ آیا بنظر شما ارتش، یعنی همان ارتشی که وقایع سنندج و غیره را آفرید، صلاحیت پاسداری از مردم مریوان را دارد؟

جواب : چون مردم مریوان خودتأ حدودی از آن راه حل راضی هستند من سیر حرفی ندارم من همیشه طرفدار صلح و آرامش منطقه بوده ام لذا انتظار دارم که هیچگاه درگیری پیش نیاید بعقیده من ارتش اساساً " بخاطر دفاع از مرز و بوم است که وجودش لازم می افتد. وظیفه آن جبری بحر دفاع در مقابل سورش نیکانگان نمی باشد ارایه جهت هیچگاه وظیفه ارساین نیست که در سرکوبی برادران هم میهن خود شرکت نماید ولی تا آنجا که اطلاع حاصل شده در میان افسران و درجه داران و سربازان روح انقلابی و مردمی بوجود آمده است بنابر این آنها کمتر حاضر هستند بدستور فرماندهان غیر مردمی کوش فراداده بایرادان خود جنگ بپردازند من امیدوارم که این روح مردمی و انسانی بشا اریبش در میان ارتشیان گسترده گردد تا در آینده ارتشی داشته باشیم خلقی که هیچ گاه تن به برادر کشی ندهد ولی آنچه مردم از آن بیمناک هستند و آنچه باعث ایجاد ناراضی در میان مردم شده است وجود کمیته ها و پاسداران انقلاب است که به مردم حمله میکنند و از کشتن و غارت و جیاولگری ابائی ندارند. متأسفانه گاهی این افراد بنام مجاهد معرفی میشوند.

۸- سؤال : بنظر شما آیا دولت خوشنویسی اندازه را بر خلق کرد روانمی دارد؟

جواب : البته بیم این خوشنویسی اندازه می رود ولی تصور میکنم که دولت در این سیاست خود تجدیدنظر نماید و بجای اینکه از طریق فشار وارد عمل بشود بکوشد تا به خواستهها

مشروع خلق کرد و سایر خلقهای ایران رسیدگی نماید و به آنها اجازه عمل بپوشاند در اینصورت بهتر میتواند موجب آسایش و امنیت منطقه بشود من هیچگاه خشونت و درگیری را نمی پسندم ، بویژه اگر بر علیه مردم باشد.

۹- سؤال : شاید حتی نیازی به توضیح نباشد که خلق کرد، که بنظر ما حق تعیین سرنوشت خویش را دارا است ، خواهان خودمختاری است . آیا بنظر شما ، بخصوص در ارتباط با صحبت ها شیکه بعضی ار رهبران کشور اینجا و آنجا میکنند ، دولت آنجناب تفاهمی را دارد که بد خلق کرد وجود مختاری بدهد؟

جواب : ما انتظار داریم که دولت چنانکه فعلاً " نرواظهار داشته ام ، به خواستههای خلقها توجه داشته باشد. ولی بارفتاریکه دولت در مقابل خلق کرد و سایر خلقها در پیش گرفته است بنظر من میرسد که بخواهد به خواست خلق کرد بوجهی بنماید. حق خودمختاری که حق مشروع و طبیعی است به آنها بدهد و آزاد را قانون اساسی بکنجاند.

۱۰- سؤال : اشرعارهایی که ایرونها نیروها و عناصر مترقی در سطح ایران مطرح می نمایند شعار " دموکراسی برای ایران - خودمختاری برای کردستان " میباشد. بنظر ما رژیم حاکم که در زمینه های بشمارای انحصار طلبی خود را به ثبوت رسانیده است نه میخواهد و نه میتواند در ایران دموکراسی بوجود آورد. آیا در اینصورت این رژیم قادر خواهد بود به خلق کرد و سایر خلقهای تحت ستم خود مختاری بدهد؟


جواب : مسئله دموکراسی و دادن خود مختاری به خلقها در جزء لاینفک هستند. کسیکه دموکراسی را نپذیرد قطعاً خودمختاری را نیز نخواهد داد.

۱۱- سؤال : اینجا و آنجا در میان مبارزین کرد صحبت از این میشود که افرادی از جنگجویان فیاده موقت عراق در ایران برای زحمتکشان کرد تولید

ناراحتی می نمایند. همچنین گفته میشود که این افراد از پیشبانی دولت نیز برخوردار هستند ، بخصوص که بناب گفته دکتر مصطفی چمران از مهره های اصلی رژیم حاکم، فیاده موقت میهمان ما است . نظر شما راجع به این ادعا چیست . آیا دولتی که خود را فد امیراللیست و دشمن اسرائیل و صهیونیست مبدانند ، چگونه میتوانند نیرونی که هم سازمان جاسوسی امریکا (سا ) ، هم سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد ) و هم شاه مخلوع آرا مورد حمایت قرار داده و میدهند ، آزادی فعالیت و بخصوص آزادی اتحاد مراحمست برای مردم را بدهد و از آن استفاده نماید؟

جواب : از خود سؤال جوابش آشکار است هر چند من آقای چمران را از نزدیک نمی شناسم ولی فرمایشات و صحبتهای او را سو ، نتی گدارد حکایت مینماید .

۱۲- سؤال : در صورت ادامه سیاست سرکوب خلقهای تحت ستم ، یعنی سیاستی که بنظر من رژیم حاکم در پیش گرفته باشد ، بنظر شما خلق کرد چه عکس العملی را از خود نشان خواهد داد و جنبش خلق کرد چه جهتی را به خود خواهد گرفت؟

جواب : ما با رها باین سؤال جواب داده و مطرح کرده ایم که خلق کرد جدا از مبارزات خلق ( های ) ایران نیست ، مبارزاتش همانک با سایر خلق های ایران است و آینده اش به آینده خلقهای ایران بستگی دارد . لذا ما مبارزات خلق کرد را جدا از مبارزات سایر خلقهای ایران بررسی نمی نمائیم . مسلم است دولتی که به خواستههای مشروع و طبیعی خلق کرد توجه نداشته باشد دولتی ارتجاعی خواهد بود که به خواستههای تمامی خلقهای ایران بی توجه خواهد بود . و این برعهده ملت مبارز ایران است که مبارزه را بطریقی که صلاح میداند تا رسیدن به حقوق تمام خلقهای ایران و از جمله خلق کرد ادامه دهد. 

# سازمانهای «حفاظتی» ساواک احیاء میشود

**نمایندگان رژیم فعلی به تقلید از پدران ناتنی خود با شعارهای فریبنده نان، آزادی، برابری و استقلال توده‌های عظیم زحمتکشان و بویژه کارگران را بدنبال خود کشاندند و به یمن نیروی عظیم اینان بر مسند قدرت تکیه زدند و امروز به آنان خیانت میکنند.**

دولت سرمایه‌داری مهندس مهدی بازرگان حکم عریض و شعور طلبگانه‌اش را یکسوی موقعت "طلائی" دوران کنونی ارسوی دیگر با سرعت هرچه نمایم تریلکان شرقی را یکی پس از دیگری طی کرده و حتی بدون احتساب ملاحظات زمانی جای پای اسلاف خویش را اشغال میکند. بدون احتساب ملاحظات زمانی ریزا که اگر در نمونه‌های تاریخی گذشته، انقلابات شورژواری در مقابل مناسبات ارتجاعی ناقص سرمایه‌داری نقش کمابیش انقلابی بازی کردند، این سرمایه‌دگان سرمایه‌داری ایران، ارتجاعی تر از خود نباشند. اندامی او اندرست انقلابی بخود میگیرند. این البته شاید نگاه خودشان بحساب نباید زیرا که ایشان در دورانی پانعرصه وجود میگذارند که رهدان تاریخ، حکم جهانی شدن مناسبات سرمایه‌داری، هر آنجه تولید میکند موجودی ناقص - الخلفه، ذلیل و ستروان است. با وجود این، دولت بازرگان مانند کلاغی که راه رفتن کبک را تقلید کند و همچون کبکی که سر بر سر بر سر فرو برده باشد، ابائسی ندارد که هیکل ریش و دم منظر خود را تماما به نمایش بگذارد.

همه میدانیم که نمایندگان رژیم فعلی به تقلید از پدران ناتنی خود چگونه با شعارهای فریبنده نان، آزادی، برابری و استقلال توده‌های عظیم زحمتکشان و بویژه کارگران را در جبهه‌ای واحد علیه رژیم گنبدیده و ضد مردمی پهلوی بدنبال خود کشانیدند و به یمن

نیروی عظیم این ارتش بیرون طلق سر مسدودت تکیه زدند. و شاید همه ندانند که برخلاف آن شعارهای عارست گرفته شده کسانی که، به تنها درخواستهای استحقاقی خویش بی بهره ماندند، بلکه همه جنک و جدال و خونریزیها، مخاطب تصاحب نیروی کار اینان بنا کردند. بن ستمندگان و با نفول خودشان "مستضعفین" بویژه کارگران هستند. یعنی کسانی که چه در جشن و چه در عرافت سیاسی و کتاب میشوند.

امروز با تکیه به واکس رژیم کنونی در قبال خواستهای حق و اساسی توده‌های رنج دیده، تعجب کسانی کیسه هنوز نشانه ماهیت و حتی روشهای رژیم حاکم با رژیم محمد رضا شاهی را نمی‌توانستند باور داشته باشند. اما بر مبنای است. اگر در ابتدای زمانه‌های رژیم می‌توانستیم حرکت‌های ضد مردمی رژیم را در کارگری نیروهای با قدرت خریداری توجیهاتی نظیر هرج و مرج و خلافت قدرت سیاسی و غیره قابل تامل بدانیم، در این مقطع که جناح‌های حاکم لااقل در سرکوبی نیارهای حق طلبانه و مترقی مردم به وحدت رسیده‌اند و قواست ضد خلقی و ضد کارگری دوران آریامهری یکی پس از دیگری احیاء میشوند، چگونه میتوان حتی لحظه‌ای در ماهیت این دولت، حکومت و رژیم حاکم تردید نمود. "مذاتقلابی" انگیز بود که از ابتدای هر حرکت حق طلبانه و مترقی از آن جمله حرکات کارگری زده میشد، اگر در ابتدای امر بسیاری از

خواستهای کارگری از طریق سطا حرات، شخص، اعتصابات غذا و غیره و با کمک گروه‌های منسکل صنعتی و سیاسی کارگران احیاء خود نمایی پیدا کردند، اسم آن بود. این آزادیهایی که با طرین حمل و خطب دم و کراسیک مسدود شد، حاکم، بلکه انجمن در سبب خاطر همان شرایط هرج و مرج و خلافت قدرت سیاسی که بدان اشاره شد، نبود. البته طراح نه‌ارهایی نظیر مسکن و کار برای "مستضعفین" و تشکیل بسدکاهها و شوراهای غیره که در ابتدای امر سر زبانشان جاری شد، سر از فرصت‌گواهی به نجات و "مذاتقلابی" تبدیل شدند. عامل از اینکه این "مذاتقلابی" فرصتی بود که بتواند همان قوانین ضد کارگری آریامهری را احیاء کرده باشند. و مگر احیاء نشد؟ تحریم اعتصابات، کوشش حریفان تشکلات کارگری، نسبت ۴۸ ساعت کار در هفته، تشکیل نیروی ویژه تنظیم روابط کار و دادگاه‌های فوری - العاده برای جرائم "مذاتقلابی" و... از آن جمله‌اند.

مادر اینجاست قوانین ضد کارگری و حمایت از سرمایه‌داری که در اصول ۹، ۴۵، ۴۳، ۲۷ و غیره که در پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش بینی شده است منتهی برداریم.

در این نوشته سعی ما در افشای توطئه جدید رژیم علیه کارگران است که تحت عنوان تشکیل نیروی ویژه تنظیم روابط کار، در وزارت کار و امور اجتماعی در تاریخ ۲۳۵۸/۲/۳۱ تصویب